



مطالعه موردی نمونه‌ای از خودکاوی روایتی کارنمای معلّی در دانشگاه فرهنگیان

مجید کهرآزی^۱، ذبیح‌الله الهی^۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

چکیده

هدف از این مطالعه، ارائه گزارش کارنمای معلّی نگارنده در دانشگاه فرهنگیان، قبل از ورود به حرفه معلّی است. این گزارش با تأکید بر مشاهده تأملی، روایت‌نگاری و واکاوی تجربه‌های زیسته معلّم، با بهره‌گیری از ابزارهای کنش پژوهی فردی و خودکاوی روایتی نگاشته شده است. هدف اصلی، تجزیه و تحلیل و ارائه گزارش کارنمای معلّی در دانشگاه فرهنگیان (پردیس شهید مطهری زاهدان) در طول هشت ترم بوده، که بخش زیادی از آن شامل حضور در مدرسه و کسب تجارب عملی است. این پژوهش از نوع رویکرد کیفی است. داده‌های حاصل شامل مجموعه‌ای از کلیه روایت‌های نگاشته شده توسط نگارنده، براساس سرفصل‌های درس کارنمای معلّی (پروژه)، در قالب سه فصل و به صورت خودکاوی روایتی بوده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز استفاده از فن تحلیل مضمون بوده است. در نهایت، گذراندن این پروژه موجب شد تا نگارنده با استفاده از خودکاوی روایتی و تحلیلی کلی نسبت به خود، به نقاط قوت، ضعف، علایق و نگرش‌های خود در حرفه معلّی پی برده، بر همین مبنا بتواند با ترسیم اهداف، چشم‌انداز و تعهداتی برای خود، در مقابل با هر نوع چالشی در مسیر پیش رو گام نهد و با رویکرد، توان و انگیزه‌های مضاعف، وارد عرصه معلّی شود.

واژگان کلیدی: دانشگاه فرهنگیان، پروژه، کارنمای معلّی، تشریح معلّی، بیانیه فلسفه تدریس.

۱. کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول).

Mkahrazahi1378@gmail.com

۲. مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مطهری زاهدان، ایران. Zallahi57@gmail.com



مقدمه و بیان مسأله

تعلیم و تربیت صحیح فرزندان، به معلمانی بانگیزه و کارآمد نیاز دارد و نقش معلم در توسعه پایدار به خوبی مشخص است؛ از این رو باید با فراهم آوردن شرایط مناسب، منزلت اجتماعی بالایی را برای این حرفه در نظر گرفت. پرورش معلمی اثربخش که بتواند تدریس و در نتیجه آموزش و پرورشی اثربخش را عاید سازد، مستلزم تحقق شرایط و زمینه‌هایی است؛ از جمله این شرایط و زمینه‌ها، رعایت استانداردهای اخلاق حرفه معلمی است که حضور آنها موجب می‌شود معلم تمام همت و توان خود را به فضای مدرسه و کلاس درس وارد سازد (نصرتی هشی، کیانی و بهرامی، ۱۴۰۰).

دانشگاه فرهنگیان اصلی‌ترین نهاد قانونی ایران برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز نظام آموزشی است. این دانشگاه با توجه به اهداف خود در تربیت معلم شایسته، کارآمد و توانمند، دروس مختلفی را ارائه می‌کند، تا مهارت‌های عمومی و تخصصی دانشجویان را ارتقا دهد (ملکی، احمدی، مهرمحمدی و امام‌جمعه، ۱۴۰۰). هر معلم قبل از حضور در کلاس، باید مجهز به یک سری فنون، مهارت‌ها و تجارب ارزنده باشد. مرکز اصلی چنین آموزش‌هایی دانشگاه فرهنگیان است که با ارائه و پیش‌بینی واحدهای درسی موردنیاز، به آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص، کارآمد و بادانش می‌پردازد.

یکی از مهم‌ترین دروس یا واحدهای درسی دانشگاه فرهنگیان در ترم آخر، واحد درسی کارنمای معلمی یا پروژه است؛ این واحد درسی حلقه پیوندی بین تجارب برای کسب مهارت معلمی، در گذشته و حال است، که ایده‌ای برای آینده می‌سازد. کارنمای معلمی نوعی خودپژوهی و داستانی از روایت عشق به معلم شدن و چگونه معلم شدن است. کارنمای معلمی سبب خواهد شد که یک دانشجو - معلم به این درک برسد که چگونه معلم شده و از چه زمانی جرقه معلمی برای نخستین بار در وجودش شکل گرفته است (سهیلی و حمیدیان، ۱۳۹۶).

یکی از دروس مهم و بنیادی دانشگاه فرهنگیان، درس پروژه یا کارنمای معلمی دانشگاه فرهنگیان است که در دانشگاه‌های معتبر جهان به نام «بیانیه فلسفه تدریس» ارائه می‌شود

مطالعه موردی نمونه‌ای از خودکاوی روایتی کارنمای معلّمی در دانشگاه فرهنگیان

(صفایی و دیگران، ۱۳۹۹). بیانیه فلسفه تدریس به عنوان بخش مهمی از ارزیابی ظرفیت‌ها و پتانسیل داوطلب (دانشجو - معلّم) برای ورود به خدمت، به عنوان معلّم، استفاده می‌گردد (Eierman, 2008). کوکین و بریتاوپت^۱ (۲۰۱۷) استفاده از بیانیه فلسفه تدریس را ابزاری برای توسعه حرفه‌ای معلّمان می‌دانند، که بیشتر جنبه‌های برنامه درسی، تفکر عمیق و تأمل در باورهای مربوط به تدریس را ترویج می‌کند (Caukin & Brinthaupt, 2017)؛ همچنین بیانیه فلسفه تدریس معلّمان را سندی برای پاسخ‌گویی عمومی معلّمان عنوان می‌کند (Beatty, Leigh & Dean, 2009).

پروژه فرصت‌سازی برای ساخت مدون هویت حرفه‌ای دانشجو - معلّمی است، که در راه عمل حرفه‌ای قرار گرفته و به‌زودی در موقعیت واقعی، به ایفای نقش معلّمی می‌پردازد. در پروژه، هر دانشجو - معلّم تلاش خواهد کرد تا با تأمل در روایت‌های مکتوب و تجارب معلّمی خود، به تشریح این موضوع بپردازد که کدام تجربیات خاص، زمینه‌های مثبت یا منفی را برای معلّم شدن وی فراهم کرده است؛ سپس، دانشجو - معلّم به تأمل کلی بر تجربه‌های تحصیلی خود می‌پردازد و این تجارب را به طور عمیق تحلیل می‌کند، تا از زوایای پنهان آن، آگاه گردد و به تبیین صحیح و جامع از افکار و اعمال خود دست یابد؛ یعنی این که چه انتظاری از تحصیل معلّمی در دانشگاه فرهنگیان داشته و به چه تجاربی دست یافته است (سرفصل درس پروژه، ۱۳۹۴: ۳)؛ در مجموع، درس کارنمای معلّمی (پروژه) از جمله دروس مهم و تکمیلی دانشگاه فرهنگیان است که ارتباط دهنده آموزش‌های متنوع و متعدد از کل فرآیند تحصیل چهارساله در دانشگاه با دانش عملی معلّمی است، تا دانشجو - معلّم بتواند در یک نگاه کلی، نقاط قوت و ضعف معلّمی خود را دریابد.

واحد درسی پروژه با عنوان «هنر معلّمی و الزامات آن» کوششی در جهت رشد و ارتقاء قابلیت‌های دانشجو - معلّمان در زمینه‌های مختلف دانش، نگرش، مهارت و شخصیت است. دانشجو در این پروژه با نگاهی انتقادی و بهره‌گیری از ظرفیت بالای تجارب زیسته خود که موجب علاقه‌مندی به حرفه معلّمی شده، انتظارات از دانشگاه و تجارب حاصل از تحصیل و در نهایت مواردی را که نشان‌دهنده شخصیت حرفه‌ای دانشجو در آینده است، مورد تحلیل قرار می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۹). در این واحد درسی، دانشجو - معلّم با تأمل در



دانشگاه فرهنگیان

۵۷

سال اول، شماره ۲

بهار ۱۴۰۲



شخصیت خود، به‌عنوان معلم آینده و همچنین باورهای خود نسبت به عناصر آموزش (از جمله؛ دانش آموز، تدریس، ارزشیابی و ...) دیدگاه‌های شخصی خود را عنوان می‌نماید (صفایی و دیگران، ۱۳۹۹).

مسیر ورود دانشجو - معلم به حرفه معلمی شامل سه مرحله پیش از ورود به دانشگاه، دوره تحصیلی دانشگاه و دوره بعد از دانشگاه است. در مرحله پیش از ورود به دانشگاه، معمولاً عواملی چون میزان آشنایی داوطلبین با حرفه معلمی، امنیت شغلی، معافیت دانشجویان پسر از دوره سربازی و وضعیت مالی خانواده‌ها دخیل‌اند. در دوره چهار ساله دانشگاه، تمام عوامل مرتبط با شرایط و امکانات دانشگاه از قبیل وضعیت فیزیکی کلاس- های درس، امکانات رفاهی، کتابخانه، برنامه درسی، نوع دروس در نظر گرفته شده، واحدهای درسی ارائه شده در هر ترم، کیفیت تدریس اعضای هیئت علمی، شیوه برخورد استادان و کارکنان دانشگاه با دانشجو - معلمان به عنوان معلمان آینده و ... تأثیرگذارند.

در مرحله سوم که دانشجو - معلم فارغ‌التحصیل شده و به عنوان نومعلم پا به مدارس می‌گذارد، عواملی از جمله جایگاه اجتماعی معلم در مقایسه با مشاغل دیگر، حقوق و مزایای شغلی، شیوه سازماندهی، امکانات مدرسه موردنظر و شیوه برخورد کارکنان مدرسه با نومعلمان می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت آنان تأثیرگذار باشد (محمدپور و دیگران، ۱۴۰۰). فهم و شناخت انگیزه دانشجو - معلمان در انتخاب حرفه معلمی، می‌تواند در تدارک برنامه‌های ویژه، برای افزایش انگیزه‌های آن‌ها و در نتیجه موفقیت حرفه‌ای‌شان، مؤثر باشد (محمودی، حبیبی و خازنده، ۱۴۰۰).

واحد درسی کارنمای معلمی (پروژه)، به عنوان یکی از فعالیت‌های تکمیلی مهم، با در برگرفتن تمام تجربه‌های دانشجو - معلمان، قبل از ورود به عرصه معلمی تا حین و بعد از تحصیل در دانشگاه فرهنگیان، سعی در آن دارد تا موجب شود هریک از دانشجو - معلمان با شناختی کامل و هدف‌مند وارد عرصه معلمی شوند. نگارش کارنما، توسط دانشجو، سبب خواهد شد تا دانشجو - معلم خود را بهتر بشناسد و به ویژگی‌ها و نقاط ضعف و قوت خود پی ببرد. علایق و نگرش‌های خود را نسبت به حرفه معلمی بشناسد و دریابد که چرا این شغل را انتخاب کرده است. به آینده خود و چالش‌های پیش رو در این حرفه بیندیشد و اهداف و ایده‌های خود را نسبت به مسیر پیش روی خود به کار گیرد تا با رویکردی

متناسب، وارد نظام آموزش و پرورش شود؛ بر مبنای این اهداف قابل توجه و دارای اهمّیت، نگارنده سعی دارد در این پژوهش با خودکاوی روایتی و به دست آوردن شناختی جامع نسبت به خود، در مسیر حرفه معلّمی گام نهد و به عنوان یک معلّم کارآمد و توانمند ظاهر شود و در کنار این هدف بتواند تجربیات سازنده خود را در این مسیر در اختیار دیگران قرار دهد.

روش تحقیق

مطالعه حاضر از نوع رویکرد کیفی است، که هدف از انجام آن خودکاوی روایتی از کارنمای معلّمی نگارنده در دانشگاه فرهنگیان برای ورود به حرفه معلّمی می‌باشد؛ براین اساس، ابتدا نگارنده مجموع تجربیات خویش را که در معلّم شدنش تأثیر داشته، قبل از ورود به دانشگاه فرهنگیان، حین تحصیل در این دانشگاه و بعد از آن، در قالب روایت‌هایی ثبت کرده است. داده‌های حاصل شامل مجموعه‌ای از کلیه روایت‌های نگاشته شده براساس سرفصل درس کارنمای معلّمی (پروژه)، به صورت خودکاوی روایتی بوده که در ابتدا، به شرح تجارب تحصیلی از دوران تحصیل (از دوره ابتدایی تا دانشگاه فرهنگیان به عنوان دانشجو - معلّم) پرداخته است. در ادامه به تشریح اصول و آرمان‌های معلّمی در مسیر پیش رو پرداخته و در پایان نیز به تعهدات حرفه‌ای که امید است در آینده حرفه معلّمی به آنها عمل شود اشاره کرده است.

روایت یا خودکاوی روایتی معمولاً متنی گفتاری یا نوشتاری است، که شرحی از یک رویداد، کنش یا مجموعه‌ای از رویدادها و کنش‌ها را به ما ارائه می‌دهد (زارنوفسکی، ۲۰۰۴؛ به نقل از اناری‌نژاد و حاتمی‌آباد شاپوری، ۱۳۹۷: ۴). در تحلیل روایت پژوهانه، به صورت خودکاوی روایتی، پژوهشگر یا نگارنده توصیفات رویدادها یا اتفاقات را گردآوری می‌کند و آنها را با استفاده از یک پیرنگ به صورت یک داستان ارائه می‌دهد (طلوعی و خالق‌پناه، ۱۳۸۷).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، استفاده از فن تحلیل مضمون بوده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی محسوب می‌شود، که داده‌های پراکنده و مختلف را به داده‌های غنی و تفضیلی تبدیل می‌کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰). در



جهت ساماندهی داده‌ها برای رسیدن به مضامین اصلی پژوهش، از سه مرحله تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ترکیب و ادغام متن استفاده شده است (Braun & Clarke, 2006).

یافته‌ها

براساس نتایج حاصل از به‌کارگیری روش تحلیل مضمون، مباحث و مطالب کلیه روایت‌های کارنمای معلّمی نگارنده در دانشگاه فرهنگیان در طول هشت ترم حضور در دانشگاه برای شغل معلّمی، با استفاده از ابزار مشاهده تأملی و روایت‌نگاری، پس از کدگذاری به ۴ مضمون اصلی و ۸ مضمون فرعی تبدیل شد. این مضامین مطابق با جدول زیر هستند.

جدول .

مضمون فراگیر	مضامین اصلی	مضامین فرعی
معلّم حرفه‌ای	تجارب مقدماتی	معرفی
		ورود به دانشگاه فرهنگیان
		توصیف «انتظارات اولیه»
	تجارب تحصیلی	رخداد‌های تحصیل در دانشگاه
		برنامه درسی دانشگاه
		اصول یا نظریه‌های معلّمی
		مسیر معلّمی
	آینده معلّمی	آرمان‌های معلّمی
		تعهدات حرفه‌ای



تجارب مقدماتی

تجارب مقدماتی به معنی زمینه‌هایی است که از پیش در دانشجو - معلّم وجود داشته است؛ در این زمینه باید گفت نگارنده متولد ۴ شهریور ۱۳۷۸ در شهرستان میرجاوه استان سیستان و بلوچستان است. فرزند هفتم خانواده‌ای ده نفری و دارای ۳ برادر و ۶ خواهر است. پدرش دارای شغل دامداری و مادرش خانه‌دار است. مادر دارای سواد نهضتی و پدر بی‌سواد است. کودکی نگارنده در زادگاهش میرجاوه گذشته است. از مواردی که از آن دوران در یاد دارد، شکستن پایش به علت بازیگوشی است. وی از دوران کودکی همراه پدر

به مسجد می‌رفت و از دوران کودکی با مسجد و نماز مأنوس شد.

نگارنده پیش از آن که در دانشگاه فرهنگیان پذیرفته شود، شناخت کاملی نسبت به این دانشگاه نداشت و در همین حد می‌دانست که رسالت اصلی دانشگاه، تربیت معلّم با پرداخت حقوق از ابتدای تحصیل به دانشجویها است. با همین شناخت اندک، تصوّرات و انتظاراتی که داشت در سطحی بسیار بالا و سخت‌گیرانه بود. می‌دانست عبور از فیلترهای ورودی و پذیرش در این دانشگاه کار آسانی نخواهد بود.

با این همه، فرآیند انجام مصاحبه و گزینش را پیش از قبولی نهایی، با دعای خیر پدر و مادر، با موفقیت پشت سر گذاشت. هنگام اعلام نتایج نهایی، به واسطه دوستی دانست در رشته آموزش ابتدایی پردیس شهید مطهری زاهدان پذیرفته شده است. ابتدا خوشحال نشد؛ چون هدفش تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی بود؛ با این حال توانسته بود در انتخاب ۶۶ خود قبول شود. پدر و مادر بسیار خوشحال بودند و پس از گفتگو با آنان، پذیرفت که مشیت الهی، با توجه به توانایی‌ها و استعدادهایش، حرفه معلّمی است.

شرح تجارب تحصیلی در دانشگاه فرهنگیان

در این بخش به شرحی از تجارب تحصیل در دانشگاه فرهنگیان پرداخته‌ایم. ابتدا انتظارات اولیه نسبت به دانشگاه، سپس رخدادهای مهم تحصیلی، سرفصل‌های برنامه درسی، اصول و نظریه‌های معلّمی و موضوعات مهم دیگری در ذیل این بخش‌ها قرار گرفت و در زمینه کلیاتی از دانش و مهارت‌های ارائه شده و کسب شده در دانشگاه فرهنگیان بحث شد.

توصیف انتظارات اولیه

مطابق با ماهیت دانشگاه فرهنگیان و نقش بااهمیت آن، نگارنده به عنوان یک دانشجو - معلّم، قبل از ورود به این دانشگاه، انتظارات، تصوّرات و چشم‌اندازهایی متفاوت با سایر دانشگاه‌ها داشته است؛ اما انتظارات وی از دانشگاه فرهنگیان با آنچه که مشاهده و تجربه نمود تفاوت بسیاری داشت؛ هرچند که برخی از این انتظارات برآورده شد؛ مانند حضور تعدادی از استادان حاذق و دانشمند، که دارای مهارت و تخصص کافی در زمینه تدریس خود بودند؛ محیط فرهنگی دانشگاه؛ سطح بالای دانش و مهارت دانشجویان و ...؛ در مقابل، تعداد بالایی از انتظارات نگارنده نیز بر آورده نشد که امکانات رفاهی بالا، خوابگاه مجهز و



استاندارد، کیفیت مطلوب تغذیه دانشجویان، در غذاخوری دانشگاه، سطح بالای کلاس‌ها، وجود آزادی کافی و محیط امن در دانشگاه و

هر چند در مجموع، بسیاری از انتظارات اولیه پژوهنده از دانشگاه فرهنگیان تحقق نیافت؛ اما با گذشت زمان با تحقیق درخصوص ماهیت کلی این دانشگاه و نگاه کلی جامعه و دولت به این دانشگاه، مشخص شد که آن‌طور که شایسته این دانشگاه باشد و بنا به رسالت خطیری که برعهده دارد، مورد توجه و رسیدگی قرار نگرفته و امید است این دانشگاه بتواند از این شرایط رهایی یافته، به جایگاه شایسته خود برسد.

تحلیلی از رخدادهای تحصیل در دانشگاه

رشته‌ای که نگارنده در دانشگاه فرهنگیان به تحصیل آن پرداخته است، آموزش ابتدایی است؛ نگارنده ابتدا از اهداف و چشم‌اندازهای این رشته آگاهی زیادی نداشت و به مرور زمان دریافت که دوره آموزش ابتدایی، برای تربیت معلمان در جهت تدریس در دوره ابتدایی کاربرد دارد. واحدهای درسی مختلفی در رشته آموزش ابتدایی در طی دوره چهار ساله تحصیل در دانشگاه فرهنگیان ارائه شد، که بعضی از آن‌ها اگرچه از نظر محتوا با حرفه معلمي مرتبط بودند، به دلیل در دسترس نبودن منبع و کتاب مناسب، ماهیت کاربردی و کارآمد نداشتند؛ از سوی دیگر، اگرچه استادان این رشته در طول دوران تحصیل، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت معلمي در دانشجویان داشتند، در دانشگاه فرهنگیان بر اهمیت انتخاب وگزینش درست و شایسته استادان توجه کافی نمی‌شد.

در طول تحصیل در دانشگاه فرهنگیان، پژوهنده دریافت که تنها کلاس‌های دانشگاه در انتقال دانش و تجربه سهم نداشته، سایر ارکان چون مدارس محل کارورزی و معلمان آنها، استادان سایر رشته‌ها و حتی دانشجو - معلمانی که در زمینه معلمي از استعداد و دانش بیشتری برخوردار بودند، جزو منابع اطلاعاتی مهم در جهت کسب مهارت و تجربه معلمي برای نگارنده در دانشگاه فرهنگیان بودند.

برنامه درسی دانشگاه

برنامه درسی در دانشگاه فرهنگیان در طی چهار سال، بیشتر در قالب واحدهای درسی، به صورت تئوری و عملی و کارگاهی با محوریت دروس عمومی، تربیتی و تخصصی، توسط استادان متخصص آموزش داده می‌شد؛ در مجموع در رشته آموزش ابتدایی بایستی

دانشجو - معلم ۱۵۰ واحد درسی بگذرانند. تقریباً هریک از این دروس چشم‌اندازی مختصر از کلیات مهارت‌های معلمی را بیان می‌کرد؛ با این همه، اکثر این دروس اندوخته‌چندانی برای نگارنده به همراه نداشت که دلایل مختلفی نظیر کاربردی نبودن، ضعف در تدریس استادان و تا حدی دلایل فردی مؤثر بوده است. شاید به عنوان مثال، شرکت در یک کارگاه تخصصی مربوط به مهارت‌های تدریس و معلمی، به مراتب پربارتر از گذراندن یک درس سه واحدی در طول یک ترم است.

دانشگاه فرهنگیان با همه سختی‌ها و دشواری‌ها، دستاوردهای ارزنده‌ای در زمینه برنامه‌داری درسی به خصوص در زمینه کسب مهارت‌های معلمی، برای پژوهشگر به همراه داشت. آنچه نگارنده تا قبل از دانشگاه فرهنگیان از حرفه معلمی و مهارت‌های آن می‌دانست، در برابر دانش گسترده این حوزه، ناچیز و اندک است؛ هرچند که پیشرفتی در کسب مهارت و معلومات خود احساس می‌کند؛ یعنی دانشگاه فرهنگیان توانسته تا حدودی در انتقال اطلاعات و دانش‌های لازم و ابتدایی مورد نیاز معلمان موفق باشد؛ اما نگارنده به دانش اندکی که به دست آورده، بسنده نکرده و نخواهد کرد.

اصول یا نظریه‌های معلمی

برای پیشرفت حرفه‌ای در زمینه معلمی، توجه به نظریه‌های صاحب‌نظران و به‌کارگیری اصول مرتبط با این شغل، بر فرآیند یاددهی و یادگیری بسیار مؤثر است. معلمان عنصر کلیدی موفقیت نظام آموزش و پرورش به شمار می‌آیند. توصیفی روشن از شایستگی‌های معلمی و تأمل بر آن می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به مدیریت و رهبری سازمانی، برنامه‌های درسی تربیت معلم و خلق فرهنگ سازمانی متناسب با آن در شغل معلمی باشد (عبابف، فراستخواه و قدوسی، ۱۳۹۸).

اثرگذارترین کنش‌گران در مدرسه معلمان هستند. در تأیید اهمیت نقش معلمان، واکر^۱ (۲۰۰۳) به مهم‌ترین گروه‌های درگیر در عمل برنامه‌داری اشاره می‌کند، که شامل معلمان، مسئولان آموزشی، تدوین‌کنندگان و افراد ذیربط‌اند. از دید او معلمان برنامه‌داری را به چند روش اعمال می‌کنند؛ اما اساسی‌ترین روش، تحقق آن یا آوردن آن به کلاس درس است. معلمان می‌دانند که تحقق بخشیدن به یک برنامه‌داری در یک کلاس آسان نیست؛



این امر مستلزم استفاده از استراتژی‌های آموزشی متناسب با محیط یادگیری از سوی معلم است (Walker, 2003).

اثر بخش بودن معلمان وابسته به دارا بودن ترکیبی از انواع شایستگی‌هاست. بخشی از شایستگی‌های معلمی متأثر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی معلمان است و به نظر می‌رسد این بخش سهم اساسی در سرنوشت حرفه‌ای معلمان ایفا می‌نماید. بخش دیگر به محیط تعلیم و تربیت معلمان ارتباط دارد (Altan., Lane & Dottin, 2019).

معلمان در حکم مهم‌ترین منبع در مدار آموزش و پرورش، در بالابردن استانداردهای آموزشی نقش تعیین‌کننده دارند. بهبود کارایی و عدالت آموزش مدرسه‌ای تا حد زیادی بستگی به این موضوع دارد، که معلمان به خوبی آماده شده، به حد کافی مهارت کسب کرده و دارای انگیزه بالایی باشند، تا به بهترین وجه به وظایف خود عمل کنند. ارتقای کیفیت تدریس آن نوع راهنمایی برای سیاست‌گذاری است، که به نظر می‌رسد به دستاوردهای اساسی در یادگیری دانش‌آموزان می‌انجامد (رضایی، ۱۳۹۸).

تشریح آینده معلمی نگارنده از دیدگاه شخصی

در این بخش به تشریح آینده معلمی نگارنده در قالب تدوین آرمان‌های معلمی در آینده پرداخته شده و کوشش شده چگونگی معلمی کردن در آینده مسیر حرفه‌ای نگارنده ترسیم شود که براساس مجموعه تجارب کسب‌شده نگارنده در طول تحصیل تدوین شده و تلاش شده به صورت طبقه‌بندی شده و مدون ارائه شود.

مسیر معلمی نگارنده

اولین هدف نگارنده، هم در مسیر چگونه معلمی کردن و هم در مسیر کلی زندگی، این است که همواره در کار خویش اخلاص داشته و فقط به منظور رضای الله متعال و تعلیم و تربیت فرزندان آینده و به تبع آن، رشد نظام آموزشی جامعه، تلاش کند. یکی از اهداف نگارنده در زمینه معلمی، تحقق بخشیدن به شعار معلم کارآمد است؛ معلم کارآمد و قار و سنگینی دارد، به بهانه انس گرفتن و جذب متعلمین از خود حرکاتی بروز نمی‌دهد که به وقارش صدمه برساند و همواره به افزایش اعتماد به نفس در دانش‌آموزان توجه دارد. توجه به مسائل انضباطی دانش‌آموزان و رعایت ادب و احترام طرفین برایش اهمیت فوق العاده دارد و به عنوان یک معلم از سختی‌های مسیر پیش روی خود تا حدود زیادی آگاهی دارد



و می‌داند برای موفقیت و پشت سر نهادن این ناملازمات بایستی ویژگی‌هایی از قبیل صبر، سعه صدر، بخشش، توکل، اخلاق نیکو، تسلط بر خود و ... را در خود تقویت نماید تا بتواند در این مسیر موفق شود.

نگارنده به عنوان یک معلّم، در امر چگونگی معلّمی کردن، تصمیم دارد تا با تکنولوژی-های نوین در سطح آموزش و مرتبط با کار خود تسلط یابد و در فرآیند یاددهی و یادگیری، از این روش‌های نوین و جذاب برای اثربخشی فرایند آموزش خود استفاده نماید. در این جهت همواره خواهد کوشید تا از به‌روزترین و جامع‌ترین روش‌های تدریس و در نظر داشتن تنوع در روش‌ها در کلاس درس، با هدف جلوگیری از خروج کلاس از کسالت و یک‌نواختی بهره جوید.

آرمان‌های معلّمی نگارنده

نگارنده مقاله، براساس مجموعه تجربه‌های مثبت و منفی که از دوران تحصیل خود داشته و همچنین مشاهدات، شنیده‌ها و دانسته‌ها و دانش نظری که در دروس موضوعی و تربیتی کسب کرده و بازخوردهایی که در طول کارورزی توسط استادان خود در دانشگاه داشته، تصمیم دارد در آینده، معلّمی باشد که:

۱. همیشه به فکر یادگیری دانش‌آموزان در تمام مراحل زندگی آنان باشد.
۲. چگونه یادگرفتن و چگونه فکر کردن را به آنان بیاموزد.
۳. به آنان در تبدیل شدن به شهروند خوب و انسانی بااخلاق و مؤمن کمک کند.
۴. آنان را نسبت به مسائل روزمره و چگونگی برخورد با مسائل مختلف زندگی راهنمایی کند.
۵. بکوشد تا همه دانش‌آموزان همواره تصور و ذهنیتی مثبت و همیشگی از او داشته باشند.
۶. می‌کوشد معلّمی صبور و خوش‌اخلاق باشد تا همه دانش‌آموزان از بودن در کلاس درس و حتی مدرسه احساس لذت کنند.
۷. یکی از آرمان‌های مهم وی در مدرسه، آموزش فضایل اخلاقی به دانش‌آموزان در میدان عمل است.



۸. می‌کوشد در خوب بودن و اعمال پسندیده بین دانش‌آموزان رقابت دوستانه و سالم ایجاد کند.

۹. با تقویت علم و دانش خود سعی در تربیت دانش‌آموزانی با دانش، آگاه و متعهد خواهد نمود.

۱۰. سعی می‌کند با فن بیانی قوی و به دور از استرس در ارتباطات و کلاس درس حاضر شود.

۱۱. سعی خواهد کرد تا همواره در هر موقعیتی با تهیه و بهره‌گیری از بهترین وسایل و روش‌های نوین تدریس، بهترین و کاربردی‌ترین نوع آموزش‌ها را به صورتی جذاب و ساده ارائه دهد.

۱۲. در پایان، با خود عهد می‌بندد که در تربیت و آموزش دانش‌آموزان از هیچ کوششی دریغ ننماید.

تعهدات حرفه‌ای نگارنده

نگارنده به عنوان دانشجو - معلم فعلی و معلم آینده، در این دوران، با آگاهی دقیق از مسیر شغلی خود، مجموعه دانش فراگرفته از دوران تحصیل در دانشگاه فرهنگیان و شناخت دقیق از نیازهای منطقه و دانش‌آموزان و با کمک درایت، تجربه و توانایی‌هایی که در خود سراغ دارد، برای خود تعهدات، اصول و به عبارتی خط‌مشی‌هایی در مسیر حرفه‌ای معلمی ترسیم نموده، خود را ملزم به رعایت و به سرانجام رساندن آن‌ها می‌داند.

هدف نگارنده به عنوان یک معلم و با توجه به نقش اسوه‌امین برای دانش‌آموزان، آن است که همواره در مدرسه و کلاس و به طورکل در زندگی آنان، درس انسانیت به شاگردان بیاموزد و این مهم محقق نخواهد شد، مگر با رفتار شایسته معلم که باید بر شخصیت و رفتارهای خود بیش از پیش توجه نماید.

نگارنده تمام وجود خود را به فراگیری علم و دانش و به دست آوردن تجربه‌های مفید در این زمینه معطوف خواهد کرد و هیچ‌گاه روند یادگیری خود را متوقف ننموده، پس از فارغ‌التحصیلی، بیش از پیش به دنبال کسب علم و دانش خواهد بود تا بتواند معلمی بادانش، آگاه و توانمند باشد.

مدیریت صحیح کلاس درس و جلوگیری از بی‌نظمی دانش‌آموزان و مهم‌تر از همه،

حذف تنبیه بدنی، از دغدغه‌های نگارنده در مسیر معلّمی به شمار می‌آید. سعی وی بر آن است که بر طبق اصول علمی روان‌شناسی، با دانش‌آموزان برخورد نماید و از تنبیه بدنی به هیچ وجه استفاده نکند؛ چراکه معتقد است تنبیه بدنی شایسته هیچ انسانی نیست.

تعهد داشتن و احساس مسئولیت در قبال گفته‌ها و در برابر دانش‌آموزان و سایر عوامل اجرایی مدرسه، خود یک مسئله اساسی است که پژوهشگر خود را ملزم به این مهم دانسته، تصمیم دارد تا حد توان به برنامه‌ها، تعهدات و گفته‌های خود عمل نماید و با این کار خود به دانش‌آموزان نیز درس احساس مسئولیت، وفای به عهد و تعهد را بیاموزد.

نگارنده معتقد است، رعایت عدالت و انصاف از سوی معلّم در کلاس درس، خود مقدمه‌ای بر عدالت در سایر ابعاد فردی و اجتماعی محیط پیرامونی خواهد بود؛ بنابراین، تعهد می‌نماید، در کسوت معلّمی، همواره انصاف و عدالت را سرلوحه کار خود در فرآیند آموزشی، ارزشیابی و برقراری ارتباط با دانش‌آموزان قرار داده و نگاهی عادلانه و یکسان به همه شاگردان خود داشته باشد و بین آنان تفاوت یا تبعیضی قائل نشود، تا مبدا دانش‌آموزی از این بابت دچار آسیب شود.

چگونگی آموزش دادن مطالب و همچنین طراحی برنامه درسی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و پایبندی به آن، از اولویت‌های نگارنده است. یکی از برنامه‌های وی در فرآیند آموزش، دادن تکالیف هدف - محور و براساس تفاوت‌های فردی، نیاز و مشکلات خاص آموزشی به دانش‌آموزان است، تا منجر به بروز خلاقیت و نوآوری در آنان شود.

داشتن کلاس درس شاد و پر نشاط از جمله تعهدات حرفه‌ای وی است؛ چراکه کلاسی پویا، جذاب و شاد، باعث ایجاد تحرک و شور و اشتیاق در دانش‌آموزان و جلب علاقه شدید آنها به درس خواهد شد. از طرفی یادگیری در چنین کلاسی بازدهی بیشتری خواهد داشت.

نگارنده همواره خود را ملزم به تبعیت از نظرات و تجربیات ارزنده پیشکسوتان و شهروندان به عنوان منبعی برای بهبود عملکرد خود در مسیر معلّمی دانسته، حتماً در مواجهه با چالش‌های گوناگون در کار خود، از مشورت، دانش و تجربه گران‌بهای آنان، نهایت استفاده را خواهد نمود؛ همچنین، استفاده از ابزار و وسایل کمک‌آموزشی و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های آموزشی در کلاس درس از سری برنامه‌های وی برای آموزش مطالب درسی و تسهیل فرآیند یاددهی و یادگیری خواهد بود.



در مسیر حرفه معلمی، تعهد نگارنده بر آن است که نظم را سرلوحه کار خویش قرار دهد و به موقع در مدرسه حاضر شود و در زمانی که در مدرسه حضور دارد، تمام وقت و توان خود را در اختیار یادگیری دانش‌آموزان قرار دهد. در این خصوص خود را پای‌بند به جمله گران‌بهای شهید بهشتی می‌داند که فرمودند: «به موقع آمدن و به موقع رفتن وظیفه است؛ دیر آمدن و دیر رفتن بی‌نظمی است؛ دیر آمدن و زود رفتن خیانت است؛ زود آمدن و دیر رفتن ایثار است» (رجائی و قاسم، ۱۳۹۵: ۴۰).

توجه به وضعیت و آراستگی نیز جزو ضروریات یک معلم است. نگارنده نیز به عنوان معلم، باید به آراستگی و نحوه پوشش خود در مدرسه و کلاس درس، بیش از پیش اهمیت دهد. همواره به رعایت بهداشت، آراستگی، نحوه پوشش خود در کلاس درس توجه نماید و با یک وضعیت و ظاهر بسیار مرتب، منظم و حالتی شاد، با روحیه‌ای مضاعف و پرانرژی در کلاس درس حاضر شود.

در پایان، از خداوند سبحان خواستار آن است تا در مسیر پیش روی خود توفیق یابد و بتواند به تمامی اهداف، خواسته‌ها و تعهداتی که برای خود ترسیم نموده، جامعه عمل بپوشد و با نیتی خیرخواهانه و معنوی، با تمام توان، برای شاگردانش از جان و دل مایه بگذارد و شاهد تغییر، پیشرفت و ترقی تک‌تک آنان در مسیر زندگی‌شان باشد و در این مسیر از هیچ تلاش و کوششی دریغ ننماید.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در تبیین اهمیت این بیانیه در دانشگاه فرهنگیان در قالب درس کارنمای معلمی (پروژه)، با عنوان «مطالعه موردی خودکاوی روایتی کارنمای معلمی در دانشگاه فرهنگیان» به منظور بررسی و بازنمایی تجربیات زیسته نگارنده، در طول هشت ترم حضور در دانشگاه فرهنگیان، برای ورود به حرفه معلمی و با استفاده از ابزار مشاهده تأملی و روایت‌نگاری، نگاشته شده است. هدف از بررسی و روایت تجربیات کسب‌شده طی چهار سال تحصیل در دانشگاه فرهنگیان و قبل از ورود به این دانشگاه، در قالب کارنمای معلمی (پروژه) این بود که به صورت جدی و تأملی، بار دیگر در خصوص باورهای مربوط به حرفه معلمی، قبل و بعد از ورود به دانشگاه، اندیشیده شود و نگارنده بر همین اساس، به نقاط قوت، مواضع ضعف، علایق و نگرش‌های خود در این حرفه مهم پی برده و برای رفع

کاستی‌ها و تقویت نقاط قوت خود، از هم‌اکنون اقدام نموده و خود را برای مواجهه با چالش‌های گوناگون در مسیر پیش رو آماده کند.

مجموعه روایت‌های نگاشته شده توسط نگارنده، سبب گردید تا وی نگرش و دیدگاه جدیدی نسبت به حرفه معلّمی پیدا کند و به این نتیجه دست یابد، که هرچند در طول تحصیل، دانشگاه فرهنگیان توانست تا حدودی در انتقال اطلاعات و دانش لازم و ابتدایی یک معلّم موفق باشد، اما هیچ‌گاه نباید به این دانش اندک خود در دانشگاه فرهنگیان بسنده کرد و نگارنده به عنوان یک معلّم موفق آینده، تصمیم گرفت همواره به دنبال دانش افزایی و کسب تجارب جدید و نوین باشد؛ لیکن، اکنون که وی خود را در کسوت یک معلّم می‌بیند، به این مهم واقف است که آموزش و تعلیم یک قشر به دست وی سپرده شده و تلاش خواهد کرد، با انجام درست وظیفه خود، رضایت معبود را نیز کسب نماید؛ بر این اساس، هدف وی آن است که بتواند با داشتن برنامه و انگیزه کافی، در حرفه معلّمی خود، در آینده، موفق باشد و کم‌کم خود را برای یک مسئولیت عظیم آماده کند. باید از هر نظر آمادگی داشته باشد و هر آنچه را که در دانشگاه آموخته و آنچه که در آینده می‌آموزد، به بهترین شکل به کار گیرد.

در مجموع، این پژوهش توانست در قالب خودکاوی روایتی در درس کارنمای معلّمی (پروژه)، چشم‌انداز خوبی به منظور تبدیل شدن نگارنده به یک معلّم حرفه‌ای در آینده، ترسیم نماید؛ از طرفی، تبدیل نگارش کارنمای معلّمی به یک پژوهش کاربردی و در اختیار قرار دادن آن بصورت عموم، ارزش این خودکاوی را دوچندان می‌نماید؛ چرا که کمبود تحقیقات در زمینه کارنمای معلّمی خود از محدودیت‌های اصلی این پژوهش به شمار می‌رود؛ بنابراین، با توجه به دستاورد مهم این پژوهش، پیشنهاد می‌شود، بازننگری‌ای نسبت به واحد درسی کارنمای معلّمی (پروژه) در دانشگاه فرهنگیان، متناسب با شرایط و مقتضیات روز جامعه و پیدایش نسل‌های جدید دانش‌آموزی صورت گیرد.

انعطاف‌پذیری در ساختار و اجرای کارنما، برگزاری در قالب جلسات رسمی به صورت دفاع دانشجو - معلّم از روایت‌های خود، توجه به کیفیت به جای کمیت در نگارش کارنما و ایجاد یک پایگاه علمی جامع، جهت نگه‌داری کلیه اسناد، برای استفاده سایر دانشجویان و جلوگیری از کپی برداری، سایر فعالیت‌های مهمی است که می‌تواند به اثربخشی بیشتر این واحد درسی برای دانشجو - معلّمان کمک نماید.



منابع و مأخذ



- اناری نژاد، عباس و حاتمی آباد شاپوری، زهرا. (۱۳۹۷). «تجربه زیسته من در دانشگاه فرهنگیان برای معلم شدن». آموزش پژوهی. ۴ (۱۶): ۱۶-۳۵.
- رجائی، غلامعلی و قاسم، مجید. (۱۳۹۵). **عبای سوخته: برگ‌هایی از زندگی شهید سیدمحمد حسینی بهشتی**، تهران: خیزش نو.
- رضایی، منیره. (۱۳۹۸). «شایستگی‌های معلمان گذشته، حال و آینده». فصلنامه تعلیم و تربیت. ۱۳۸: ۱۲۹-۱۵۰.
- سرفصل درس پروژه. (۱۳۹۴). **نخستین کارگاه آموزشی اجرای درس پروژه (کارنمای معلمی) در تربیت معلم**، معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه فرهنگیان، تهران.
- سهیلی، هادی و حمیدیان، مسعود. (۱۳۹۶). **راهنمای عملی نگارش کارنمای معلمی ویژه دانشجو-معلمان**، تبریز: پژوهش‌های دانشگاه.
- صفایی، محمدحسین؛ قاندي، یحیی؛ ضرغامی همراه، سعید و کشاورز، سوسن. (۱۳۹۹). «تحلیل تطبیقی ساختار بیانیه فلسفه تدریس دانشگاه فرهنگیان با دانشگاه‌های منتخب». **نظریه و عمل در برنامه درسی**. ۸ (۱۶): ۴۲۴-۳۹۵.
- طلوعی، وحید و خالق پناه، کمال. (۱۳۸۷). «روایت شناسی و تحلیل روایت». **خوانش**. ۵۲: ۱۴-۴۵.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». **اندیشه مدیریت راهبردی (اندیشه مدیریت)**. ۵ (۲): ۱۵۱-۱۹۸.
- عباباف، زهره؛ فراستخواه، مقصود و قدوسی، فائزه. (۱۳۹۸). «شایستگی‌های معلمی از نگاه کنش‌گران عرصه تربیت: نقاط اشتراک و تمایز». **تعلیم و تربیت**. ۱۴۱: ۸۳-۱۰۴.
- محمدپور، ابراهیم؛ حیدری، ایلناز؛ ازکات، فاطمه و جمشیدی، سمانه. (۱۴۰۰). «تحلیل عوامل مؤثر بر علاقه‌مندی دانشجو - معلمان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان به حرفه معلمی». **پژوهش در تربیت معلم**. ۴ (۳): ۷۱-۹۳.
- محمودی، فیروز؛ حبیبی، حمدالله و خانزاده، جعفر. (۱۴۰۰). «عوامل مؤثر بر انتخاب شغل معلمی از دیدگاه دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی». **اندیشه‌های نوین تربیتی**. ۱۷ (۳): ۳۳-۵۵.
- ملکی، صغری؛ احمدی، غلامعلی؛ مهرمحمدی، محمود و امام جمعه، سید محمدرضا. (۱۴۰۰). «ارزیابی برنامه کارورزی دانشگاه فرهنگیان». **پژوهش در تربیت معلم**. ۴ (۴): ۶۳-۹۸.

مطالعه موردی نمونه‌ای از خودکاوی روایتی کارنمای معلمی در دانشگاه فرهنگیان

- موسوی، سیده مریم. (۱۳۹۹). «تجربیات زیسته یک معلم (کارنمای معلمی)». همایش ملی علوم انسانی با رویکرد پژوهش روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره از نگاه معلم، دانشگاه هرمزگان.

- نصرتی هشی، کمال؛ کیانی، نرگس و بهرامی، حمزه‌علی. (۱۴۰۰). «مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای معلم با تأکید بر تعامل معلم با خود از منظر نهج البلاغه». توسعه حرفه‌ای معلم. ۶(۳): ۲۹-۵۴.



- Altan, S., Lane, J. F., & Dottin, E. (2019). "Using habits of mind, intelligent behaviors, and educational theories to create a conceptual framework for developing effective teaching dispositions". *Journal of Teacher Education*, 70 (2): 169-183.
- Beatty, J., Leigh, J., & Dean, K.L. (2009). "Finding our roots: Exercise for creating a personal philosophy statement". *Journal of Management of Education*, 33(1): 115-130.
- Braun V, Clarke V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*. 3(2): 77-101.
- Caukin, N. G., & Brinthaupt, T. M. (2017). "Using a Teaching Philosophy Statement as a Professional Development Tool for Teacher Candidates". *International Journal for the Scholarship of Teaching and Learning*, 11(2):2.
- Eierman, R. J. (2008). "The teaching philosophy statement: Purposes and organizational structure". *Journal of Chemical Education*, 85(3): 336.
- Walker, D. F. (2003). *Fundamentals of curriculum: Passion and professionalism* (2nd edition). London: Lawrence Erlbaum Associates.





Narrative self-analysis of my teaching career in Farhangian University

Majid Kahrazahi, Zabihollah allahi

Abstract

The aim of this study is to provide a reflective teacher's portfolio report of my teaching performance in Farhangian University (Shahid Motahri Campus, Zahedan) over eight academic terms prior to entering the teaching profession, a large part of which over the course of eight terms, which included a significant portion of school attendance and practical experiences. This report, emphasizing observational reflection, narrative storytelling, and exploration of lived experiences as a teacher, is written using individual action research tools and self-reflective narratives. The resulting data consisted of a collection of all narratives written by the author, based on the lesson plan chapters in the teacher's portfolio project, presented in three chapters and in the form of self-reflective narratives. The data analysis method used was thematic analysis. Ultimately, completing this project allowed the author to gain insight into their strengths, weaknesses, interests, and perspectives in the teaching profession through self-reflective and analytical introspection. Based on these findings, the author can set goals, envision their future, and commit themselves to take steps forward in the face of any challenges that may arise along their path with an approach that is characterized by increased capability and motivation when entering the field of teaching.

Keywords: Farhangian University, project, teacher performance, teacher description, Statement of Teaching Philosophy